



خبرگان خبیرساز

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی

انتخابات چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری آذر ماه برگزار می‌شود و چون همیشه مطبوعات و سایت‌های اینترنتی از مدت‌ها پیش اخبار و شایعاتی را در این باره بازتاب داده و بدین وسیله بر حساسیت انتخابات آتی افزوده‌اند.

رهبری در جمهوری اسلامی رکن اساسی و محور اصلی نظام به شمار می‌آید و این جایگاه، در قانون اساسی ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود شناخته شده است. حوزه مسئولیت‌ها و اختیارات رهبری ایجاب می‌کند که دارای شایسته‌ترین صلاحیت‌های علمی، اخلاقی و سیاسی باشد. به همین دلیل برای برگزیده شدن طبق معیارهای دقیق، انتخاب رهبری غیر مستقیم صورت می‌پذیرد: مردم، ابتدا گروهی را به عنوان نمایندگان

اصلاح‌طلبان مشکل اصلی خود را در انتخابات خبرگان، رد صلاحیت نامزدهایشان می‌دانند.

نامه گروهی به رئیس مجلس خبرگان، دورخیز وی و حزب تازه تأسیس او برای ورود به مجلس خبرگان تعبیر شد، و در بردارنده خواسته‌هایی بود، از جمله: تغییر مرجع بررسی صلاحیت نامزدی زنان و تسهیل ورود غیر مجتهدان به مجلس خبرگان.

درباره خواسته‌های طرح شده در آن خودداری کردند. نظر چند نماینده خبرگان را درباره موارد فوق مرور می‌کنیم.

حجت الاسلام و المسلمین سید احمد خاتمی، عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان، فعال شدن افراد و گروه‌ها درباره موضوع مجلس خبرگان را نشان دهنده نشاط دانست و با استقبال از این روحیه مثبت گفت: همراه نشدن این نشاط با غوغاسالاری‌های سیاسی، می‌تواند آن را در ردیف امور پسندیده قرار دهد.

آیت‌الله شفیعی، عضو مجلس خبرگان معتقد است: عضویت نداشتن کارشناسان غیر فقیه در مجلس خبرگان یک نقض نیست؛ زیرا از میان شرایط رهبری که در قانون اساسی تصریح شده، مهم‌ترین شرط، عدالت است و شرایط دیگر در درجه دوم قرار دارد. ایشان همچنین معتقدند، چنانچه زنی مجتهده و خبره و دارای شرایط مصرح در قانون باشد، می‌تواند کاندیدای عضویت در این مجلس شود، همچنان که در دوره کنونی [سوم] نه زن ثبت نام کردند که برخی از

و باشکوه برگزار شدن انتخابات خبرگان بود که برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی آن را مطرح کردند، اما دامنه بحث گسترده شد و به مسئله مرجع تعیین صلاحیت نامزدها، شرایط داوطلبان، حضور زنان و افراد غیر روحانی در این مجلس تعمیم یافت.

به نظر می‌رسد طرح رسمی این مسائل با نامه حجت‌الاسلام مهدی کروبی - دبیر کل پیشین مجمع روحانیون مبارز که هم اکنون حزب اعتماد ملی را بنیان نهاده - به آیت‌الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان آغاز شد.

این نامه که در مجامع و محافل سیاسی، به دورخیز کروبی و حزب تازه تأسیس او برای ورود به مجلس خبرگان تعبیر شد، در بردارنده خواسته‌هایی بود، از جمله: تغییر مرجع بررسی صلاحیت نامزدی زنان و تسهیل ورود غیر مجتهدان به مجلس خبرگان. این نامه به دبیرخانه مجلس خبرگان فرستاده شد تا بررسی شود، ولی نمایندگان این مجلس از اظهار نظر

مجلس خبرگان انتخاب می‌کنند و این برگزیدگان به انتخاب رهبری می‌پردازند و در دوران رهبری نیز عملکرد او را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. عزل رهبر نیز از اختیارات مجلس خبرگان است. به واقع مجلس خبرگان وظیفه شناسایی، انتخاب و نظارت بر رهبری را به عهده دارد.

نخستین انتخابات مجلس خبرگان، ۱۹ آذر با شرکت هجده میلیون نفر از مردم برگزار شد و ۷۵ نماینده آن اولین نشست خود را ۲۲ تیر ۱۳۶۲ آغاز کردند. شاخص‌ترین فعالیت این مجلس تعیین رهبر معظم انقلاب پس از رحلت امام علیه السلام بود. هر دوره مجلس خبرگان هشت سال است. دوره‌های دوم و سوم به ترتیب در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۸ آغاز به کار کردند و چهارمین مجلس خبرگان که انتخابات آن در آذر ماه سال جاری برگزار می‌شود، تیر ۱۳۸۶ افتتاح خواهد شد.

نقطه آغاز مباحث زود هنگام جناح‌ها برای انتخابات خبرگان، برگزاری همزمان این انتخابات و انتخابات شورای شهر و روستا با هدف کاهش هزینه‌ها

روزنامه شرق، با بررسی همایش، «هماهنگی و همدلی نیروهای انقلاب در موضوع انتخابات و بررسی عملکرد خبرگان رهبری» با پررنگ کردن حضور آقایان مصباح، عباس علی کدخدایی و حسین کعبی، به تحلیل مواضع اصول‌گرایان پرداخت و توپ را به زمین حریف پرتاب کرد.

مجلس خبرگان در دومین دوره خود، بررسی صلاحیت نامزدهای این مجلس را از مراجع تقلید یا اساتید برجسته حوزه‌های علمیه، به شورای نگهبان واگذار کرد.

آنها به لحاظ صلاحیت علمی مردود شدند و بقیه نیز خودشان کناره‌گیری کردند.

آیت‌الله موحدی کرمانی نماینده مجلس خبرگان نیز می‌گوید: زنان واجد شرایط می‌توانند به عضویت مجلس خبرگان رهبری درآیند.

اما حجت‌الاسلام مجید انصاری دیگر عضو مجلس خبرگان معتقد است:

اعضای خبرگان رهبری می‌توانند علاوه بر فقیهان، از میان کارشناسان برجسته و خبره در زمینه‌های نظامی و فرماندهی، مدیریت و اقتصاد برگزیده شوند، در این صورت تشخیص فقاقت رهبری صرفاً بر عهده فقها است، همان‌طور که در حال حاضر تشخیص انطباق مصوبات مجلس با شرع، صرفاً به عهده فقهای شورای نگهبان و تشخیص انطباق این مصوبات با قانون اساسی، به عهده همه اعضای شورای نگهبان است.

البته یک نکته باقی می‌ماند و آن این که هر چند حضور جوانان در مجلس خبرگان منع قانونی، عرفی و شرعی ندارد، ولی به دلیل مسائل خاص جامعه و رهبری و اجتهاد، بهتر است مجلس

خبرگان، مجلس شیوخ باشد؛ ولی اگر جوانی دارای شرایط احراز باشد و بتواند رأی بیاورد، منعی برای حضور او در مجلس خبرگان وجود ندارد.

تأیید صلاحیت‌ها؛ موضوع مهمی است که از هم‌اینک به تلاش‌ها و رایزنی‌های فراوان گروه‌های سیاسی دامن زده است.

مجلس خبرگان در دومین دوره خود، بررسی صلاحیت نامزدهای این مجلس را از مراجع تقلید یا اساتید برجسته حوزه‌های علمیه، به شورای نگهبان واگذار کرد. شیوه گذشته، انتقادهای فراوانی را برانگیخته بود، از جمله این که در این زمینه یکنواختی و یکسانی وجود ندارد، زیرا برخی علما در دادن اجازه اجتهاد سختگیر هستند، ولی عده‌ای دیگر تساهل پیش می‌گیرند؛ وانگهی چون شیوه ارزیابی قبلی حوزه‌های علمیه براساس آزمون نبوده است، اظهار نظرها درباره افراد ملاک روشنی ندارد.

معترضان به تفویض اختیار بررسی صلاحیت‌ها به شورای نگهبان، افزون بر

این که شورای مذکور را دارای گرایش‌های سیاسی می‌خوانند، معتقدند: این که اعضای شورا صلاحیت خودشان را تأیید می‌کنند و نامزد عضویت مجلس خبرگان می‌شوند، محل اشکال است.

به نظر می‌رسد همه این اشکال‌ها که عموماً نیروهای موسوم به چپ آن را طرح می‌کنند، بدین سبب است که آنها از تحصیلات کافی حوزوی برخوردار نیستند، در حالی که روحانیان منتسب به جناح اصول‌گرا، در این زمینه همت بیش‌تری به خرج داده و مدارج بالای علمی را به دست آورده‌اند و قاعدتاً واجد شرایط ورود به مجلس خبرگان هم هستند.

در این میان روزنامه توقیف شده شرق، در سال گذشته با بررسی همایش «هماهنگی و همدلی نیروهای انقلاب در موضوع انتخابات و بررسی عملکرد خبرگان رهبری» که در مشهد برگزار شده بود، با پررنگ کردن حضور آقایان مصباح، عباس علی کدخدایی و حسین

با توجه به تخصصی بودن تشخیص، تطبیق و احراز ویژگی‌های رهبری و با در نظر داشتن گستره اختیارات «ولی فقیه» به عنوان عالی‌ترین مقام رسمی کشور، بی‌تردید تنها شکل معقول برای گزینش رهبری، انتخاب غیر مستقیم است.

تردید در شرط اجتهاد به عنوان ضابطه اصلی عضویت در مجلس خبرگان رهبری، اساسی‌ترین شرط پذیرش خبرگان منتخب مردم را زیر سؤال می‌برد. از این رو از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است.

کعبی، به تحلیل مواضع اصول‌گرایان پرداخت و توپ را به زمین حریف پرتاب کرد.

این روزنامه آغاز تحرکات سیاسی برای انتخابات خبرگان در دو جناح را این گونه ترسیم کرد: در یک سوی این تلاش‌ها، محافظه‌کاران قرار دارند که پس از پیروزی در سه انتخابات دوره دوم شوراهای شهر و روستا، مجلس هفتم و ریاست جمهوری نهم، برای در اختیار گرفتن مجلس خبرگان فعال شده‌اند. البته ترکیب کنونی مجلس خبرگان هم در اختیار اکثریت قاطع محافظه‌کاران قرار دارد، اما طیف‌های مختلف این جناح به ویژه جریان راست سنتی، جایگاه پررنگی در این مجلس دارند که همین امر اختلافاتی را در اجلاس اخیر خبرگان میان طیف جوان‌تر و رادیکال که حامیان محمدتقی مصباح یزدی هستند و طیف سنتی میانه‌رو که با هاشمی رفسنجانی همراهی نشان می‌دهند، بروز داد. به نظر می‌رسد این صف‌بندی در انتخابات آتی خبرگان هم در اردوگاه محافظه‌کاران وجود داشته

باشد، کما این که گفته می‌شود جامعه روحانیت مبارز احتمالاً فهرستی متفاوت از لیست مورد نظر مصباح یزدی در انتخابات خواهد داشت؛ لیستی که پیش‌بینی می‌شود با حمایت احزاب سنتی جناح راست هم مواجه شود.

«شرق» بدون اشاره به وضعیت مجمع روحانیون مبارز و مجمع مدرسین و محققین در انتخابات آتی خبرگان رهبری، خلاصه مقاله خود را با عنوان «هشدار مصباح؛ انگیزه اصلاح‌طلبان»، پس از درج بخش‌هایی از سخنرانی آیت‌الله مصباح در همایش مذکور، چنین بیان می‌کند:

۱. «مصباح یزدی در اختتامیه همایش مشهد از برخی اصول‌گرایان به شدت انتقاد کرده و خواستار هوشیاری نیروهای انقلاب در انتخابات خبرگان شده است.

۲. انتقادهای هشدار مصباح یزدی به تشکل‌های راست‌گرا در حالی مطرح می‌شود که سخنگویان احزاب این جناح هنوز به شکل کلی و مبهم از انتخابات

خبرگان سخن می‌گویند.

۳. در جناح اصلاح‌طلب هم بحث‌های اولیه آغاز شده است. اصلاح‌طلبان مشکل اصلی خود را در انتخابات خبرگان، رد صلاحیت نامزدهایشان می‌دانند

۴. اصلاح‌طلبانی چون اعضای مجمع روحانیون، مجاهدین انقلاب، جبهه مشارکت و مجمع نیروهای خط امام بر ضرورت هوشیاری در مقابل تلاش جریان‌های افراطی برای تسلط بر مجلس خبرگان تأکید دارند.» در ادامه چند شبهه برجسته درباره خبرگان رهبری را طرح کرده و پاسخ می‌دهیم.

طرح و پاسخ گویی به شبهه‌ها

الف) شکل انتخاب رهبری (مستقیم یا

غیر مستقیم)

برخی از منتقدان، چگونگی انتخاب غیر مستقیم رهبری از سوی خبرگان منتخب مردم را بحران‌زا و همانند ساختار کهنه سیاسی شاهنشاهی قلمداد کرده‌اند که مقداری از کاستی‌های آن برطرف شده است. آنان برای دموکراتیک کردن

ادعای نبود نظارت بر رهبری؛ یا
بودن نارسایی در آن نادرست
است. به گواه قوانین و تصریح
فقهای شورای نگهبان، نظارت
بر عملکردهای رهبری در
جریان بوده است.

رعایت دقیق موازین شرعی و
قانونی نظارت بر لزوم پایداری
قداست و جایگاه والای نهاد
رهبری، از بایسته‌های نظارت بر
رهبری است.

(در مسائل همه‌فهم و عرفی به انتخابات مستقیم و در موضوع‌های پیچیده و دقیق به انتخابات غیر مستقیم مراجعه می‌شود)، اهمیت موضوع، بسترهای ارزشی، رعایت مصلحت و اقتضائات منطقی.

با توجه به مسلمان بودن افراد جامعه و رأی مثبت آنان به نظام جمهوری اسلامی ایران و همچنین اصول قانون اساسی که بر حاکمیت احکام اسلامی بر همه امور از جمله شرایط رهبری اسلام تأکید دارد و نیز با توجه به تخصصی بودن تشخیص، تطبیق و احراز ویژگی‌های رهبری و با در نظر داشتن گستره اختیارات «ولی فقیه» به عنوان عالی‌ترین مقام رسمی کشور، بی‌تردید تنها شکل معقول برای گزینش رهبری، انتخاب غیر مستقیم است. برای رسیدن به قضاوتی دقیق‌تر درباره این مدعا، توجه به تخصصی بودن تعیین رهبری، امکان نظارت بر بالاترین مقام در نظام اسلامی؛ حفظ جایگاه نهاد رهبری و افزایش ضریب دقت و اطمینان، مفید به نظر می‌رسد و این امر با انتخابات غیر مستقیم تحقق می‌یابد.

حساسیت، نظارت و مسئولیت‌پذیری همگانی، خطاب همگانی احکام اجتماعی اسلام، نصیحت به رهبران جامعه اسلامی برای رفع ضعف‌ها و انحراف‌ها و تأکید بر نقش محوری مردم در قانون اساسی.

در نظام جمهوری اسلامی نیز اگرچه مراجعه به آرای مستقیم مردم از طریق همه‌پرسی محفوظ است، ولی اصلی‌ترین راه‌کار، دخالت و مشارکت فعال ملت در اداره امور اجتماعی انتخابات است و تقریباً در تمامی مسائل اساسی کشور بر اساس رأی و نظر مردم تصمیم‌گیری می‌شود. انتخابات؛ مجموعه عملیاتی جهت گزینش فرمان‌روایان یا تعیین ناظرانی برای مهار قدرت است. با توجه به ویژگی‌های انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان و نیز با در نظر گرفتن عواملی خاص، ممکن است انتخابات یک درجه‌ای (مستقیم) یا دو درجه‌ای (غیر مستقیم) انجام پذیرد. عواملی که شکل مراجعه به آرای عمومی و مستقیم و یا غیر مستقیم بودن آن را تعیین می‌کنند، عبارتند از: ماهیت موضوع

قدرت سیاسی، در پی آنند که هیچ مقامی خارج از انتخاب مردم باقی نماند. در نگاه برخی راه‌کار غیر مستقیم انتخاب رهبری، افزون بر این، معارض سیره حضرت علی علیه السلام و دیگر فرقه‌های مذهبی صدر اسلام نیز هست.

برای پاسخ به این شبهه، باید نخست مبانی مشارکت اجتماعی در نظام اسلامی و نیز راه‌کارهای مختلف تحقق مشارکت اجتماعی در نظام سیاسی به عنوان پیش‌نیاز بررسی شود و سپس انواع انتخابات و عوامل مؤثر بر برتری هر یک از این راه‌کارها در جلب مشارکت همگانی تبیین گردد.

در بررسی مبانی مشارکت اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران، برخی از اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی که مشارکت مردم را در عرصه‌های اجتماعی نهادینه کرده است، عبارتند از: نفی تشخیص‌های موهوم و دل‌سوزی متقابل میان مسئولان و مردم، وابستگی اعمال حاکمیت به بیعت یا مقبولیت عمومی، توان حاکمیت و تغییر نسبی شرایط، خلافت و امانت‌داری انسان از سوی خداوند، الزام حکومت به مشورت با مردم،

ب) نظارت بر رهبری

در مورد عملکرد نظارتی مجلس خبرگان، منتقدان، نخست به دلیل اطلاع‌رسانی ضعیف مجلس خبرگان از فعالیت‌های خود، منکر وجود هر گونه نظارت بر رهبری از سوی مجلس خبرگان بودند. پس از روشنگری‌های اعضای محترم مجلس خبرگان، منتقدان بر ضعف و نارسایی در نظارت بر رهبری از سوی مجلس خبرگان انتقاد کردند.

اکنون پرسش این است که اساساً آیا «ولایت و امامت امت» در زمان غیبت، نهادی نظارت‌پذیر است یا این که از هر گونه ارزیابی و کنترل بی‌نیاز است؟

ولی فقیه منتخب مجلس خبرگان، با وجود دارا بودن شرایط و ویژگی‌های لازم، انسانی غیر معصوم است که با وجود برخورداری از مراتب بالای تقوا و عدالت، امکان اشتباه و انحراف در وی به کلی منتفی نیست. از این رو، نمی‌توان او را از هرگونه نظارت بی‌نیاز دانست. قانون اساسی نیز مستلزم قبول نوعی نظارت جدی و پی‌گیر بر دوام شرایط رهبری امت اسلام در رهبری منتخب است، هر چند هیچ‌گاه از عبارت «نظارت بر رهبری» سخنی نگفته است. از نظر عقلی نیز، با توجه به جایگاه والا و حساس رهبری، احتمال خطا و انحراف در فرد رهبر و امکان اشتباه در انتخاب خبرگان، وجود نوعی نظارت بر رهبری اجتناب‌ناپذیر است؛ البته گستره این نظارت، بر کنترل بقا یا فقدان شرایط ولایت در رهبری معطوف

است. از این رو، نظارت بر اعمال و عملکرد رهبری بر اساس هیچ یک از منابع شرعی، قانونی و عقلی دارای وجاهت یا ضرورت نیست.

رعایت دقیق موازین شرعی و قانونی نظارت بر لزوم پایداری قداست و جایگاه والای نهاد رهبری، از بایسته‌های نظارت بر رهبری است. مجلس خبرگان رهبری برای انجام دقیق و هرچه شایسته‌تر این وظایف، کمیسیون‌های زیر را تشکیل داده است:

۱. کمیسیون اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ قانون اساسی، برای بررسی پی‌گیر اوصاف و صلاحیت فقیهان معاصر. (چنانچه برتری فقهی بر فقیه حاکم محرز گردید، مجلس خبرگان فقدان شرایط رهبری را برای فقیه پیشین و نیز اصلاح بودن فقیه جدید را اعلام می‌کند).

عملکرد این کمیسیون، افزون بر این که آمادگی لازم را برای موضع‌گیری به هنگام مجلس خبرگان در مواقع حساس فراهم می‌آورد، نظارت غیر مستقیمی است که اطمینان از دوام اصلاح بودن فقیه حاکم را نیز تضمین می‌کند.

۲. کمیسیون تحقیق اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی، به منظور عزل رهبری در صورت از دست دادن شرایط لازم.

۳. کمیسیون آیین‌نامه (مربوط به اصل ۸۰ قانون اساسی) به منظور بررسی و اصلاح قوانین و مقررات مجلس خبرگان. این قوانین پس از تنظیم در

کمیسیون آیین‌نامه، در صحن عمومی مجلس خبرگان ارائه می‌شود که پس از تصویب، نهایی شده و جزء قوانین موضوعه شمرده می‌شود و به تأیید شورای نگهبان نیز نیازی ندارد. این امر از ظرایف کم مانند قانون اساسی است که فضا و ساز و کار طبیعی و معقول نظارت بر رهبری را از گزند هر گونه تأثیرگذاری‌های ناشایست قوای حاکم و جریان‌های سیاسی در امان نگاه داشته است.

۴. کمیسیون مالی و اداری برای تنظیم و رسیدگی به بودجه و مسائل مالی.

۵. کمیسیون سیاسی - اجتماعی به منظور بررسی مسائل سیاسی و اجتماعی کلان کشور و طرح نکات ضروری در اجلاس‌های عمومی مجلس خبرگان.

۶. کمیسیون بررسی راه‌های پاسداری از ولایت فقیه.

بنابراین، ادعای نبود نظارت بر رهبری، یا بودن نارسایی در آن نادرست است. به گواه قوانین و تصریح فقهی شورای نگهبان، نظارت بر رهبری در جریان بوده است و ارائه نشدن گزارش کار مجلس خبرگان در زمینه نظارت بر رهبری نه تنها قابل انتقاد نیست، بلکه با توجه به جایگاه و ماهیت ولایت فقیه و اصول نظارت اسلامی و با وجود شبهه‌پراکنی‌ها و بی‌حرمتی‌های دگراندیشان، قابل تقدیر است.